

## فرآیند صلح با طالبان و چگونگی تاثیرات آن روی روحیه باشندگان افغانستان؟

از یک سو پا فشاری مقامات امریکائی روی مذاکره و به طبع آن آشتی دولت افغانستان با طالبان، تشدید رفت و آمد های سیاسی کرزی در پیشبرد مذاکرات با طالبان و نزدیکی با این گروه و سازماندهی کنفرانس بن 2 بر همین مبنا اظهارات جو بایدن، معاون رئیس جمهوری آمریکا در باره طالبان : « طالبان لزوما دشمن ما نیستند ».

...

از سوی دیگر

افزایش خود کشی زنان ( بازتاب آن در برخی از رسانه های داخل افغانستان)، فرار و یا میل به فرار بیش از حد مردم بسوی آوارگی ها ( از جمله غرق شدن یک کشتی حامل صد ها پناهجو در آب های اندنیزی)، افسرده گی جوانان و تلاش به ترک همیشگی مملکت ( در اخیر نامه ی ارسالی یکی از جوانان در غرب افغانستان را مطالعه فرمایید).

....

چی پیوندی میان دو موضوع یاد شد، می تواند وجود داشته باشد؟ آیا تلاش صلح با طالبان تاثیراتی در فرار ها و خودکشی های داخل افغانستان نیز دارد؟

و یا موضع گیری امریکا و دولت افغانستان چی نوع تاثیری روی روحیه مردم افغانستان گذاشته است؟

آیا میتوان ادعا کرد که : با تلاش های سران حاکم در کشور، حس نا امنیتی بیشتر از گذشته، در میان مردم ریشه کرده است؟

این پرسش‌ها را ( بدون توضیحات بالا) خدمت عده‌ی کمی از دوستان فرستادم و همین‌طور از ایشان پاسخی گرفتم که به ترتیب در سایت گفتمان بروز خواهد شد.

یادآوری این‌گفته بیهوده نخواهد بود که صاحب قلمان و صاحب نظران اگر خواسته باشند، میتوانند بدین پرسش‌ها پاسخ بگویند و یا جهت غنا بخشیدن بحث می‌توانند روی نظرات طرح شده دوستان، نقد‌های خود را به سایت گفتمان بفرستند.

هر چند طرح چنین پرسش‌های بقول دوست ارجمند معراج امیری در خور یک سیمینار است : « کاش فرصت‌های گذشته میبود که با دانش امروزی سراغ گفتگو‌های سالم سیاسی میرفتیم ».

باری، برنامه‌ریزی نشست‌ها ( از جمله سیمینارها ) همواره مشکلات تکنیکی را با خود دارند. ازینرو سایت‌های پژوهشی می‌توانند نقشی قابل ملاحظه‌ی در همین راستا ایفا کنند.

### نامه‌ارسالی یک جوان

« زاد و ولد درین ملک خیانت به نسل بعدی است. اگر به خودتان رحم نمی‌کنید حداقل به فرزندان‌تان رحم کنید که بعد از شما درین خرابه مجبور خواهند بود با مشتی‌راهن و قاتل دست و پنجه نرم کنند.

ارزش یک سرزمین به انسان‌هایست که در آن می‌زییند ورنه مشتی‌خاک چه ارزشی میتواند داشته باشد. انسانی آزاده باشید و بر خود محدودیت وضع نکنید، زمین از آن انسان است هر کجای آن که مسکن‌گزیند از آن اوست.

سرتان را اندکی بلندتر بگیرید و بنگرید که چگونه دورتان حصار کشیده‌اند.

ای مردم تماشا کنید، شما اکنون زندانی‌اید و خود نمی‌دانید. اگر باور ندارید پای از این حصار برون بگذارید و ببینید که چگونه شما را با تیر میزنند. شما زندانی‌اید و ابلهانه با خود می‌جنگید. دارید کم‌کم در مردابی از لجن فرو می‌روید و دیگران را که دارند خود را نجات میدهند مسخره می‌کنید.

بر خود بنگرید ! «.

### آدرخش